



زمینه سازی امام حسن عسکری(ع) برای غیبت امام زمان(عج)

باتوجه به میلاد امام حسن عسکری(ع) مقاله ای مرتبط با این موضوع در این شماره ارائه می شود ، ادامه مقاله عدم سازگاری حکومت مصلح جهانی با سکولاریزم را در شماره بعدی بخوانید.

باتوجه به میلاد امام حسن عسکری(ع) مقاله ای مرتبط با این موضوع در این شماره ارائه می شود ، ادامه مقاله عدم سازگاری حکومت مصلح جهانی با سکولاریزم را در شماره بعدی بخوانید. امام عسکری علیه السلام ، با انجام اقداماتی حکیمانه، در مسیر زمینه سازی و آماده کردن مردم برای پذیرش امر مهم غیبت امام دوازدهم (حضرت مهدی علیه السلام) قدم‌های بسیار مؤثری برداشتند؛ که در این نوشتار به آن می‌پردازیم.

*1- خبر دادن از غیب

از جمله اقدامات مهم امام حسن عسکری علیه السلام ، در زمینه سازی غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ، طرح پیشاپیش مسئله غیبت بود. ایشان در موارد متعددی، غیبت فرزندشان را - که جانشین پس از خودشان محسوب می‌شد - خبر دادند و این گونه مردم و جامعه را برای پذیرش غیبت آماده کردند. موسوی بغدادی نقل می‌کند: از امام حسن عسکری علیه السلام ، شنیدم که می‌فرمود: «گویا شما را می‌بینم که پس از من درباره جانشینم اختلاف می‌کنید. آگاه باشید که هر کس به ائمه بعد از رسول خدا (ص) ، اقرار کند، اما منکر فرزندم شود؛ مانند کسی است که به همه انبیای الهی و رسولانش اقرار داشته باشد، اما نبوت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ، را انکار کند؛ زیرا اطاعت از آخرین نفر ما، مانند اطاعت از اولین ماست و منکر آخرین نفر ما مانند منکر اولین ماست. آگاه باشید که برای فرزندم، غیبتی است که مردم در آن شک می‌کنند؛ مگر کسی که خدای تعالی وی را حفظ فرماید»¹.

علی بن همام نیز از محمد بن عثمان عمری و او از پدرش نقل کرده است: من نزد امام عسکری علیه السلام بودم که از آن حضرت درباره خبری که از پدران بزرگوارش روایت شده است، مبنی بر این که: زمین از حجت الهی تا روز قیامت خالی نمی‌ماند و کسی که بمیرد و امام زمانش را نشناسد به مرگ جاهلیت در گذشته است، پرسیدند. ایشان فرمود: «این سخنان، حق است؛ همچنان که روز روشن، حقیقت دارد». گفتند: ای فرزند رسول خدا! حجت و امام پس از شما کیست؟ فرمود: «فرزندم محمد؛ او امام و حجت پس از من است هر که بمیرد و او را نشناسد به مرگ جاهلیت در گذشته است. آگاه باشید که برای او غیبتی است که نادانان در آن سرگردان شوند، مبطلان در آن هلاک گردند و کسانی که برای آن، وقت، معین کنند، دروغ گویند. سپس خروج می‌کند و گویا به پرچم‌های سپیدی می‌نگرم که بر بالای سر او در نجف و کوفه در اهتراز است»².

*2- ارتباط حداقلی با شیعیان

امام عسکری علیه السلام ، برای مهیا نمودن ذهنیت مردم و خصوصاً شیعه، درباره امر غیبت، شیوه نهان سازی خود را بیش از آنچه در زندگی امام هادی علیه السلام ، مورد توجه بود، به کار گرفت. از این رو، ایشان به جز ایامی که به دستور معتمد، برای دیدار وی از خانه بیرون می‌رفت و یا به جهت مصالحی که در نظر داشت، به کسی اجازه ملاقات می‌داد، یا خود، شخصاً به دیدار آنها می‌رفت، دیدار و ملاقات دیگری با مردم نداشت. به گفته مسعودی، امام حتی برای شیعیان خود ظاهر نمی‌شد و از پشت پرده، با آنان سخن می‌گفت.

این عمل حضرت عسکری و پدر بزرگوارش، مقدمه‌ای برای غیبت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ، بود تا شیعیان با آن مأنوس شده و منکر غیبت نشوند؛ چرا که اگر غیبت امام عصر (عج) ، به صورت ناگهانی رخ می‌داد، وضعیت بسیار سخت و غیر قابل تحملی برای شیعیان به وجود می‌آمد و چه بسا درک غیبت امام زمان (عج) ، برای یاران و اصحاب خاص حضرت هم مشکل می‌شد؛ تا چه رسد به مردم عادی که مدت‌های زیادی با امام و حجت خدا به طور مستقیم ارتباط برقرار می‌کردند. در آن شرایط، حتی ممکن بود در اصل وجود حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ، نیز شبهه ایجاد شود.

*آماده سازی شیعیان برای عصر غیبت

بدون تردید، یکی از وجوه روی آوری ائمه علیهم السلام ، به تشکیل این نهاد، آماده سازی شیعیان برای پذیرش وضعیت جدید در

عصر غیبت بود؛ عصری که شیعه در آن جز از طریق سفرا و وکلای امام، امکان ارتباط با ایشان را نداشت. با توجه به همین حقیقت بود که هرچه شیعه به عصر غیبت نزدیکتر می‌شد، راه ارتباط مستقیم او با امام نیز محدودتر می‌گشت و در مقابل، نهاد وکالت نیز تقویت می‌شد؛ تا حدی که در زمان امامین عسکریین غالب ارتباطات شیعه با این دو امام بزرگوار، از راه مکاتبه و یا وکلا و نمایندگان، صورت می‌گرفت. از این رو، می‌توان گفت که حداقل در عصر دو امام هادی

و عسکری، تقویت نهاد وکالت به خاطر تمهید و زمینه چینی برای ورود شیعه به عصر غیبت بوده است.4

* نقش ارتباطی نهاد وکالت با مردم

وکلا - به عنوان رابطین امام در شهرهای مختلف - به پرسش‌های شرعی، کلامی و اعتقادی مردم پاسخ می‌دادند مکاتبات و نامه‌ها را به محضر امام می‌رساندند و پاسخ‌های شفاهی را دریافت می‌کردند.7

با توجه به چنین ضرورت و کارکردی بود که امام حسن عسکری (ع)، نمایندگان مورد اعتمادی را منصوب می‌نمود تا برای حل مشکلات دینی و دنیوی شیعیان، رابطه میان آن حضرت و آنان باشند و شیعیان با موضوع مراجعه به نمایندگان، مأنوس شوند. این مطلب از نامه‌ای که آن حضرت به «احمد بن اسحاق اشعری» نوشت و در آن، نماینده مورد اعتماد و امین خود، «عثمان بن سعید عمری» را مورد تأیید و حمایت قرار داد، بر می‌آید؛ امام عسکری علیه السلام، در آن نامه فرمود:

« ابوعمر، ثقه، امین و مورد اعتماد امام قبلی بوده و در زندگی و پس از مرگ من نیز مورد اعتماد من است، سخنش را بشنو و از او اطاعت کن؛ زیرا او مورد اعتماد و امین است».8

امام حسن عسکری علیه السلام، به جهت حفظ و نگهداری اموال مسلمانان، بیم از تباه شدن و از بین رفتن آنها و نیز برای دریافت حقوق شرعی از مردم و توزیع آنها میان نیازمندان و تهیدستان، نمایندگان و وکلایی تعیین فرموده بود تا شیعیان برای حل مشکلات شرعی و اجتماعی خود به آنها پناه ببرند. ایشان به بعضی از وکلای خود - مانند «ابراهیم بن عبده نیشابوری» - فرمان داد تا حقوق شرعی را به آن حضرت برسانند. همین‌طور «عثمان بن سعید عمری» را به عنوان وکیل تامّ الاختیار خود در بغداد تعیین فرمود، به مردم و همه وکلا دستور داد تا با او در ارتباط باشند و همه حقوق واجب الهی و دیگر وجوهی را که نزدشان است به او تحویل دهند.9

*پی نوشت

1- کمال الدین و تمام النعمة، ج2، ص119. 2- همان، ص118.

4- همان، (نقل از اثبات الوصیه). 7-تاریخ عصر غیبت، ص139.

8- همان، ص140. 9- همان، ص141.